



چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار

(مطالعه موردی بر روی لقب مشیرالدوله)

نویسنده: مهدی نجاری





انتشارات ندای تاریخ

ISBN: 978-600-84538-6-3



9 786009 453863

چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار

(مطالعه موردی بر روی لقب مشیرالدوله)

مهدی نجاری



موسسه و انتشارات ندای تاریخ

سرشناسه: نجاری، مهدی، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور: چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار (مطالعه موردی بر روی لقب
مشیرالدوله) / مهدی نجاری
مشخصات نشر: تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص. مصور.
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۴۵۳۸ - ۶ - ۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: لقب‌ها -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۲ -- ق ۱۴
موضوع: لقب‌ها -- ایران -- تاریخ
موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان -- ۱۱۹۳ ت ۱۳۴۴ ق
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ن ۳ ۶ الف / DSR ۱۳۱۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۷۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۱۵۴۴۷



نام کتاب: چگونگی اعطای القاب مشابه در دوره قاجار
نویسنده: مهدی نجاری
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۴۵۳۸ - ۶ - ۳
حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: موسسه انتشارات ندای تاریخ
طرح جلد: زینب دین‌محمدی
لیتوگرافی: آترینا
چاپ و صحافی: آترینا
چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر در اختیار موسسه انتشارات ندای تاریخ است
قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

فهرست

۷

مقدمه

۱۱	◀ فصل اول: مروری بر سیر تاریخی اعطای القاب
۱۳	تاریخچه اعطای القاب در ایران
۱۳	از باستان تا اواخر دوره عباسی
۱۸	مغول، صفویه، قاجار
۱۸	دوره ایلخانان و صفوی
۱۹	دوره قاجار
۲۴	سیر تحولی مفهوم و معنای القاب دربار
۲۶	صاحبان القاب
۲۷	خرید و فروش القاب
۳۹	◀ فصل دوم: القاب در دوره قاجار
۴۱	کارکرد و ساختار القاب
۴۷	دلایل وجود بخش اول و دوم القاب
۵۱	افراد مفتخر به دریافت لقب مشیرالدوله
۵۲	مشیرالدوله: یحیی خان
۵۴	مشیرالدوله: شیخ محسن خان
۵۵	مشیرالدوله: میرزا نصرالله خان نائینی، فرزند آقا محمد
۵۷	مشیرالدوله: میرزا حسن خان پیرنیا
۵۸	وجود القاب مشترک در خانواده‌ها

۶۱	◀ فصل سوم: مشیر الدوله‌ها و روند اعطایی لقب مزبور به آن‌ها
۶۳	مقام و منصب دارندگان لقب مشیر الدوله
۶۵	بیوگرافی خانواده‌ها و افراد دارنده لقب مشیر الدوله
۶۵	محسن خان مشیر الدوله
۶۷	میرزا نصرالله خان مشیر الدوله
۷۰	میرزا حسین خان سپهسالار
۸۰	میرزا یحیی خان مشیر الدوله
۹۵	مشیر الدوله پیرنیا
۱۰۷	میرزا جعفر خان مهندس باشی
۱۰۷	میرزا حسین خان مشیر الدوله
۱۱۸	میرزا نصرالله خان مشیر الدوله
۱۲۰	حسن مشیر الدوله پیرنیا
۱۲۲	دلایل انتخاب این لقب از سوی دربار
۱۲۲	دلایل از دست دادن لقب
۱۲۵	نتیجه
۱۲۷	منابع و مآخذ
۱۳۳	پیوست‌ها

مقدمه

از جمله طبقات اجتماعی ایران در دوره قاجار طبقه حاکمه بود. این طبقه خود شامل دو دسته عمده می‌شد؛ نخست دولت که تمام سازمان‌ها و تشکیلات در شخص شاه خلاصه می‌شد دیگری روحانیون که از دیرباز بر قلب و روح مردم حکومت داشتند و برای حفظ و اعتبار و نفوذ خود می‌کوشیدند. در میان دسته نخست، طبقه مرفه و نزدیکان دربار را می‌توان نام برد که شامل صدراعظم، وزرا، رجال و روحانیون عالی‌رتبه می‌شدند. خانواده‌های اعیان و اشرافی که از شهرهای مختلف به تهران آمده و یکی از افراد خانواده‌شان دارای شغل دولتی بود و سایر افراد خانواده به وسیله او تقاضاهای خود را به دولت می‌رساندند. اغلب این افراد بدون داشتن لیاقت و سن و سال به پست‌های مهم منصوب می‌شدند که غالباً نیز موروثی بود. القاب مخصوصی نیز برای این طبقه وجود داشت و نشان‌های دولتی در دوره قاجاریه از طرف شاه به آنها داده می‌شد مثل «صاحب دیوان، مستوفی الممالک، منشی الممالک و...».

جدا از القاب شغلی اعطای لقب‌های توصیفی و امتیازی هم معمول بود و زیاده‌روی در دادن القاب در روزگار ناصرالدین‌شاه کار را به جایی رساند

که ناگزیر آوردن القاب را در مکاتیب اداری و رسمی ممنوع ساختند. اجرا و فروش القاب و مناصب در دوره قاجار ماجرایی معروف و البته تأمل برانگیز است. درست است که دلیل این مسئله، بی‌کفایتی اقتصادی حکام قاجاری و تلاش آنان برای کسب درآمد از هر طریق بوده است، ولی شخصیت دون پایه شاهان این سلسله هم موجب می‌شد تا به‌جای اندیشیدن به مسائل اساسی مملکت به مسائل حاشیه‌ای و مبتذل مشغول باشند و حتی گاهی همان مسائل نظیر اعطای بی‌رویه القاب و مواجب و حتی فروش آنها را جلوه‌ای زشت‌تر می‌بخشید. این قبیل ماجراها همچنین نشانگر سبک نگرش و قدر همت درباریان قاجاری است. به عنوان مثال در دوره قدرت فتحعلی شاه لقب دیوانی «اعتمادالدوله» همراه با «السلطنه» به شاهزادگان سلطنتی، بانوان حرم خود و مردان برجسته اعطا نمود. در عهد ناصرالدین شاه اعطای عناوین رسمی بیش‌ازپیش بالا گرفت.

بنابراین القاب و عناوین رسمی در دوره قاجاریه در سه بخش قابل بررسی است:

- تجدید قدرت در سلطنت فتحعلی شاه
- دوران نضج (پختگی) قدرت در سلطنت ناصرالدین شاه
- دوره انحطاط و اضمحلال در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و احمدشاه.

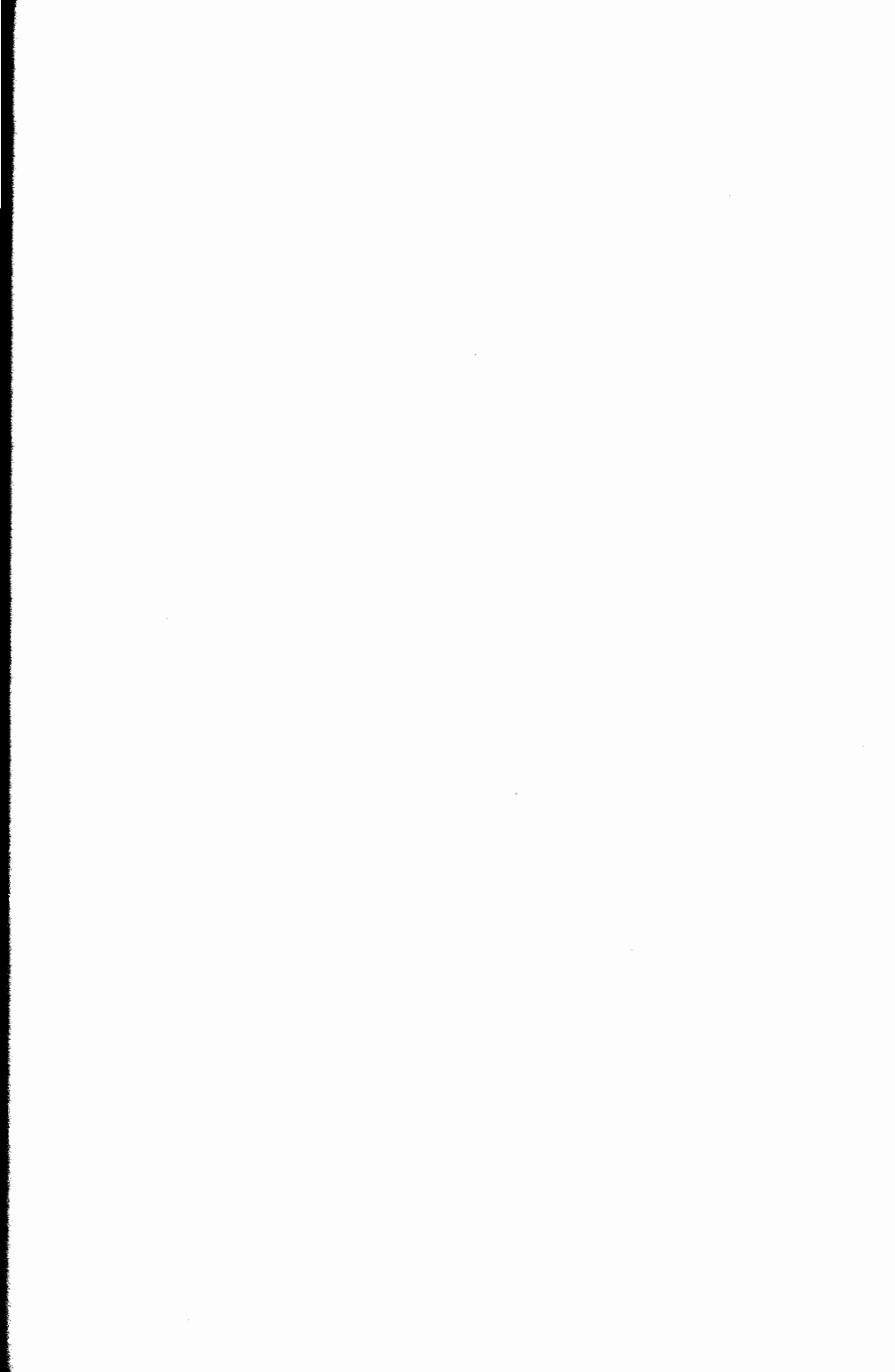
اعطای القاب در انواع گوناگون به توانایی‌های خاص افراد یا خاندان‌های حکومتی آنها در دوره قاجار بر می‌گشت. این خاندان‌ها که اغلب نقش اساسی در روند سیاسی کشور را داشتند، اغلب خواستار القاب گوناگون

بودند. از این رو برای درک بهتر و شناخت عمیق تعاملات حکومت با افرادی که برای کسب لقب از انجام هر کاری فروگذاری نمی کردند، لازم است تا مطالعات تاریخی وسیعی در مورد افراد و خانواده های صاحبان لقب بر پایه تحلیل جایگاه هریک از آنها انجام شود. گستردگی القاب در کنار اهمیت موردی و دقیق هر خاندان ضرورت پرداخت به هر خاندان و لقب را به صورت مجزا روشن می سازد. از این رو خانواده مشیرالدوله برای مطالعه موردی انتخاب گردید. بدین منظور کتاب حاضر در صدد شناخت خانواده های متعدد با لقب یکسان مشیرالدوله، شناسایی شرایط و دلایل شاهان قاجار در اعطای لقب مشیرالدوله در میان خانواده هایی با سوابق مختلف و کمک به شناخت علمی معادلات سیاسی در اعطای القاب و بالطبع تفویض مقامات حکومتی است ضمن این که اساساً چند مشیرالدوله و چه خانواده هایی موفق به کسب این لقب شده اند.

پژوهش حاضر، رساله اینجانب بوده است بدین منظور بر خود لازم می دانم که از تمام عزیزانی که مرا در این راه یاری نمودند تشکر و قدر دانی داشته باشم. همچنین امیدوارم این پژوهش دری باشد بر روی پژوهشگران بعدی تا دیدگاه ویژه ای بر روی این قسمت از تاریخ ایران زمین (تاریخ القاب) داشته باشند. امید دارم ارباب علم و معرفت، کاستی های این پژوهش را با دیده اغماض بنگرند و نواقص و خطاهای کار نگارنده را تذکر دهند.

مهدی نجاری

پاییز ۱۳۹۴ خورشیدی



فصل اول

مروری بر سیر تاریخی اعطای القاب

تاریخچه اعطای القاب در ایران

با مروری بر سیر تاریخی اعطای القاب در ایران، این نکته روشن خواهد شد که اعطای القاب از دوره‌های باستان در ایران مرسوم بوده و پس از اسلام نیز ادامه یافته است. در این فصل نگاهی گذرا به چگونگی اعطای القاب داریم. علاوه بر آن سیر تحولی معنا و مفهوم القاب و نیز صاحبان و چگونگی اعطای آن به تفسیر بیان شده است.

از باستان تا اواخر دوره عباسی

از دیرباز در ایران به افراد سرشناس که شخصیت خاص سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی داشته‌اند، از سوی زمامداران یا دولتمردان و یا عالمان دین و ... لقب یا القابی اعطا می‌شده و گاهی هم افراد با عنوانی که می‌توان آن را لقب گونه گفت در بین مردم شهرت می‌یافته‌اند.

عبدالله مستوفی می‌نویسد:

«ایرانیان در دوره‌های باستانی لقب‌های شغلی مانند: سپهبد، سپه‌دار،

سپهسالار، دیواندار، بارسالار و پرده‌دار داشته‌اند.^۱

۱. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، کتاب فروشی زوار، چاپ اول، ۱۳۶۰، جلد ۱، ۴۳۹.

القاب توصیفی از دوره سلطه‌ی عرب [مسلمان] در ایران متداول شده و ریشه‌ی آن‌هم همان لقب‌های وصفی است که عرب رسم داشته در دنبال اسامی محترمین و معروفین می‌آورده است: مصطفی، مرتضی، مجتبی، سیدالشهدا، زین‌العابدین، باقر، صادق، کاظم، رضا، تقی، نقی، زکی و مهدی تماماً القاب وصفی است که بزرگان دین ما داشته‌اند.

بعضی هم بوده‌اند که القاب وصفی آنها مانند: اشج، اعرج، اشتر، افطس و اعور از نقصی که در سروصورت و اعضا داشته‌اند حکایت می‌کرده است.

خلفای راشدین ملقب به: صدیق، فاروق، ذوالنورین و مرتضی و ابوتراب بوده‌اند.^۱

خلفای عباسی برای خود هر یک لقبی از قبیل: [سفاح، دوانقی یا دوانیقی]، الرشید، مأمون، المعتصم بالله تا المستعصم بالله، به هم پیوسته و به آنها خود را معروف می‌کردند.^۲

احمد اشرف در مقاله‌ی «لقب و عنوان» در این باره چنین می‌گوید: «شاید بتوان ایرانیان را در این کار سرآمد ملل و اقوام دیگر دانست. رواج زیاد القاب و عناوین در تمدن اسلامی نیز کار ایرانیان بود. لقب و عنوان برای تمیز و تعیین مقام و منزلت و مرتبه‌ی اجتماعی رجال و بزرگان و اعیان و اشراف به کار می‌رفت».^۳

۱. همان، ج ۱، ۴۳۹

۲. همان، ج ۱، ۴۳۹

۳. اشرف، احمد، لقب و عنوان: در زمینه‌ی ایرانشناسی، به کوشش جنگیز بهلوان، تهران، چاپ

میهن، ۱۳۶۸، ۲۶۷

در عصر عباسیان دوره دوم و سوم سلسله‌های استقلال طلب در ایران پیدا شدند. خلفای عباسی با اعطای لقب به امرای استقلال طلب این دوره یعنی دیلمیان (آلبویه، بویه) و غزنویان سعی کردند از چند پارگی و از هم گسیختگی سیاسی حکومت خود جلوگیری کنند و لقب امیرالمؤمنینی خود را، هر چند صوری و اسمی باشد، حفظ و حراست نمایند. به‌طور کلی تاریخ عناوین و القاب رسمی همچون یکنهاد اجتماعی به سه دوره متمایز تقسیم می‌شود:

دوره اول - پیدایش و رشد: از دوران آلبویه تا دوره سلجوقی.

دوره دوم - رکود نسبی: از دوره ایلخانان تا عهد صفویه.

دوره سوم - تجدید حیات، گسترش فوق‌العاده و افول دوره قاجاریان. ممکن است ایراد گرفته شود که ظهور و گسترش القاب و عناوین از سال ۳۵۴ هجری (۹۴۵ میلادی) واقع شده است، یعنی هنگامی که برادران بویه، خلیفه را مجبور کردند که به آنان لقب معزالدوله، رکن‌الدوله و عمادالدوله بدهد. اما باید دانست پیش از آن، در همان قرن، عناوینی از همین نوع به دو وزیر و امیر داده شده بود چنان‌که پسر رکن‌الدوله عنوان (لقب) عضدالدوله و تاج‌الملک و پسر دیگری لقب بهاء‌الدوله و نظام‌الدین را کسب کرد که برای اولین بار کلمه «دین» در اجزاء عناوین مشاهده می‌شد.

القاب و عناوین یادشده از اولین نمونه‌های القاب ترکیبی و چندکلمه‌ای است. نوآوری در القاب و عناوین و حفظ و اصرار بر آن از اوایل قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) یعنی از دوره غزنویان پدید آمد و چه، حکام و سلاطین، خلفا را تشویق و ترغیب می‌کردند که به آنان القاب و عناوینی همچون عین‌الدوله، امین‌الملک و کھف‌الاسلام داده شود چنان‌که

به محمود سبکتکین داده شد.^۱

به‌طور کلی همه حکام و فرمانروایان اواخر آل‌بویه و دوران غزنوی هر یک عناوینی کسب نمودند و فاصله میان قرن چهارم و قرن ششم هجری دوران گسترش هر چه بیشتر القاب و عناوین است. البته خلفا، آل‌بویه، غزنویان و حتی سامانیان از دادن انحصاری عناوین و القاب خود پرهیز می‌کردند اما به وزرا و فرماندهان خود القاب و عناوینی با پسوند «الدوله» و «الملک» و «الدین» می‌بخشیدند.

القاب «عزالدوله، مؤیدالدوله، عضدالدوله، معزالدوله، مجدالدوله، شرف‌الدوله، بهاءالدوله و سلطان‌الدوله» القاب اعطائی از طرف خلیفه‌ی عباسی به دیلمیان بود.^۲

لقب‌های «سیف‌الدوله و یمین‌الدوله» به سلطان محمود غزنوی به‌وسیله‌ی القادربالله اعطا شد.^۳

در عهد سلجوقیان در میان حکمرانان و فرماندهان تنها سه نفر اول عناوینی با پسوند «الدوله» از خلفا دریافت کردند، و دیگران با لقب «الدین» خوانده می‌شدند. اینان و نیز خوارزمشاهیان در اهدای عناوین و القاب مشابه امرا و وزرای خود زیاده‌روی می‌کردند و همین زیاده‌روی و رواج بی‌جای عناوین در قرن ششم بود که خواجه نظام‌الملک را بر آن داشت از آنان عیب‌جویی کند.^۴

۱. بیرونی، محمد بن احمد، آثارالباقیه، ترجمه احمد داناسرشت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶، ۱۳۴-۱۲۹

۲. شرح زندگانی من، ج ۱، ۴۳۹

۳. همان، ج ۱، ۴۳۹

۴. خواجه نظام‌الملک، حسن بن اسحاق، سیر الملوک، تهران، چاپ دز، ۱۳۴۰، ۲۱۲-۱۹۰

خواجه نظام الملک می نویسد: «چون سلطان محمود به سلطانی بنشست از القادر بالله (خلیفه‌ی عباسی) لقب خواست، او را «یمین الدوله» لقب فرستاد. او حيله و تزوير به خرج داد تا لقب دیگری دریافت نمود و او را «امین الملّه» زیادت کردند، و تا محمود زیست او را «یمین الدوله و امین الملّه» لقب بود.^۱

سلجوقیان به بعضی از وزیران خود لقبی با مضاف‌الیه «مُلک» می‌دادند، مانند: «نظام الملک». ^۲ در دوره خوارزمشاهیان به وزرا لقب‌هایی با مضاف‌الیه «مُلک» و «دین» می‌دادند از قبیل: «ضیاءالملک، علاءالدین». ^۳ در دوران مغولان بعضی از وزرای بزرگ لقب‌هایی همچون «صفی الدوله، سعد الدوله، فخرالدوله، شمس الدوله، مذهب الدوله و رشید الدوله» می‌گرفتند. ^۴

۱. خواجه نظام الملک، حسن بن اسحاق، ۱۳۸۸، سیاست نامه، ترجمه عباس اقبال، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۸، ۱۸۹ و ۱۹۷

۲. سلیمانی، کریم، ۱۳۷۹، القاب رجال دوره قاجاریه، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۱۲

۳. قمی نژاد، مهدی، ۱۳۸۸، القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین الضرب، تهران، انتشارات آریا، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۱۷-۲۳

۴. همان، ۱۳